

امام رضا علیه السلام و فرهنگ ولایت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا

محمود مهدی پور

۱۸۳ هـ. ق تا سال ۲۰۳ هـ. ق طول کشید، زمينه برای معرفی جایگاه امامان معصوم علیهم السلام بهتر فراهم شد. حضرت علی بن موسی علیه السلام چه در عصر پدر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام و چه در این مدت بیست سال، گامهایی بلند در خدمت به اسلام و امت اسلامی برداشت و اقداماتی انجام داد، که در معرفی اندیشه امامت و شناخت بهتر اسلام و قرآن، نقش بنیادی ایفا کرد. شخصیت معنوی و ملکوتی، فعالیت‌های علمی و تربیتی، تلاش‌های اجتماعی و اقدامات سیاسی حضرت رضا علیه السلام و احتمالاً فعالیت‌های نظامی

بدون تردید تمام پیشوایان دین، مرزبان فرهنگ قرآن و عترت‌اند و از اسلام پاسداری می‌کنند. تبیین اندیشه‌های اسلامی، ترویج اخلاق آسمانی، آموزش احکام دینی و دفاع از همه ابعاد دین الهی، رسالتی است که بر دوش پیام‌آوران و رهبران الهی و مبلغان دین بوده و هست؛ اما با توجه به شرایط اجتماعی و نیازهای هر زمان، مسائل خاصی مورد قرار دارد و نیاز به برخی ابعاد دین، بیش‌تر احساس می‌شود.

در عصر امام رضا علیه السلام به ویژه دوران امامت آن بزرگوار که از سال

ولی بررسی گفتار و رفتار خورشید پرفروغ خراسان در باب ولایت و توحید، دریایی از عرفان و آزادی فرادید انسان می‌گشاید. و اینک بخشی از کلام امام را درباره ولایت مرور می‌کنیم:

الف. عدم امکان تداوم جهان بدون

امام و رهبری الهی

در اندیشه رضوی، ولایت و امامت فقط یک جایگاه سیاسی، اجتماعی نیست؛ بلکه امام از سوی خدا منصوب می‌شود.

در کتاب شریف اصول کافی، تحت عنوان «کتاب الحجة» حدود دویست و شصت حدیث درباره حجت الهی و امام و پیشوایان معصوم علیهم السلام آمده و ضرورت و اهمیت و نشانه‌ها و نقش و جایگاه رهبران الهی را در نظام تکوین و تشریح بر شمرده است. از جمله در اصول کافی جلد اول صفحه ۲۸۳ با ترجمه مرحوم استاد سید جواد مصطفوی، جامع‌ترین تحلیل از نقش اجتماعی امام و اینکه

۱. عیون اخبار الرضا، ناشر رضا محمدی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۳۵.

وابستگان حضرت در جای، جای کشور بزرگ اسلامی در عصر آن بزرگوار، هر کدام بخشی از تفکر توحیدی و ولایی را گسترش می‌داد. در این نوشتار، نقش امام هشتم در نشر اسلام ناب و تفکر اهل بیت علیهم السلام به ویژه درباره امامت و ولایت معصومین علیهم السلام مورد توجه قرار دارد.

بی‌شک، اسلام بدون توحید و ولایت «اسلام کامل» نیست. توحید، ضامن ایمان فردی و نماد حاکمیت خدا بر قلب و رفتار افراد جامعه است؛ ولی توحید بدون ولایت، «جامعه اسلامی» پدید نمی‌آورد و بدون رهایی از سلطه اجتماعی شیاطین و سلاطین، احکام اجتماعی خداوند تعطیل می‌گردد. و شاید به همین دلیل است که در اجتماع تاریخی نیشابور، امام هشتم از کلمه توحید^۱ و ولایت اهل بیت علیهم السلام سخن گفتند و این دو را شرط مصونیت از هر خطر و امیّت از عذاب الهی دانستند و از آن به عنوان دژ تسخیرناپذیر الهی نام بردند. سیری در منابع و رهنمودهای رضوی در هر زمینه، بابتی از نور و نیرو تولید می‌کند؛

امام از سوی خداوند تعیین می‌شود و از مقام عصمت برخوردار است، تصریح شده است. عبدالعزیز بن مسلم می‌گوید: ما در ایام حضرت رضا علیه السلام در مرو بودیم. در آغاز ورود، روز جمعه در مسجد جامع انجمن کردیم، حضار مسجد، موضوع امامت را مورد بحث قرار داده و اختلاف بسیار مردم را در آن زمینه بازگو می‌کردند. من خدمت آقایم رفتم و گفتگوی مردم را در بحث امامت به عرض رسانیدم.

حضرت علیه السلام لبخندی زد و فرمود: «ای عبدالعزیز! این مردم نفهمیدند و از آراء صحیح خود فریب خورده و غافل گشتند. همانا خدای عزوجل، پیغمبر خویش را قبض روح نرمود تا دین را برایش کامل کرد و قرآن را بر او نازل فرمود که بیان هر چیز در اوست. حلال و حرام و حدود و احکام و تمام احتیاجات مردم را در قرآن بیان کرده و فرمود: ﴿...مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...﴾^۱ چیزی در این کتاب فرو گذار نکردیم.» و در حجة الوداع که سال آخر عمر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود این آیه

نازل شد ﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾^۲ «امروز دین شما را کامل کرد و نعمتم را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم.» و موضوع امامت از کمال دین است (تا پیغمبر صلی الله علیه و آله جانشین خود را معرفی نکند تبلیغش را کامل نساخته است) و پیغمبر صلی الله علیه و آله از دنیا نرفت تا آنکه نشانه‌های دین را برای امتش بیان کرد و راه ایشان را روشن ساخت و آنها را بر شاهراه حق واداشت و علی علیه السلام را به عنوان پیشوا و امام منصوب کرد و همه احتیاجات امت را بیان کرد. پس هر که گمان کند خدای عزوجل دینش را کامل نکرده، قرآن را رد کرده و هر که قرآن را رد کند به آن کافر است.

مگر مردم مقام و منزلت امامت را در میان امت می‌دانند تا روا باشد که به اختیار و انتخاب ایشان واگذار شود. همانا امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگ‌تر و منزلتش عالی‌تر و مکانش منیع‌تر و عمقش بیش‌تر از آنست که

۱. انعام / ۳۸.

۲. مانند / ۳.

مردم با عقل خود به آن رسند یا به آرائشان آن را دریابند و یا به انتخاب خود امامی منصوب کنند. همانا امامت، مقامی است که خدای عزوجل بعد از رتبه نبوت و خِلّت، در مرتبه سوم، به ابراهیم خلیل علیه السلام اختصاص داده و به آن فضیلت، مشرفش ساخته و نامش را بلند و استوار نموده و فرموده: ﴿...إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...﴾^۱؛ «همانا من تو را امام مردم گردانیدم». ابراهیم خلیل علیه السلام از نهایت شادیش به آن مقام عرض کرد، «از فرزندان من هم؟» خدای تبارک و تعالی فرمود: «پیمان و فرمان من به ستمکاران نمی رسد». پس این آیه امامت را برای ستمگران تا روز قیامت باطل ساخت و در میان برگزیدگان گذاشت.»

علی بن مهزیار از محمد بن هشتم از محمد بن فضل از حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می کند که به ایشان گفتم: ممکن است زمین بدون امام باشد؟ حضرت فرمود: هرگز! زیرا در این صورت زمین اهلیش را فرود می برد.^۲

سعد بن سعد اشعری قمی از

احمد بن عمر نقل کرده که به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: نه. گفتم از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند مگر اینکه بندگان مورد خشم الهی قرار گیرند. حضرت فرمود: در آن صورت (بدون امام) نمی ماند مگر اینکه به زمین فرو می رود.^۳

نقش تکوینی امام برای جامعه امروز شناخته شده نیست؛ ولی از دیدگاه عقیدتی و منابع فکری پیروان اهل بیت علیهم السلام این موضوع مسلم است. در معتبرترین کتب حدیثی شیعه مثل آثار صدوق، شیخ کلینی، شیخ مفید و شیخ طوسی رحمهم الله دهها حدیث با این مضمون وجود دارد، که بسیاری از این احادیث از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است.

عصر امام رضا علیه السلام عصر بازگشت امت اسلامی به اندیشه امامت و تلاش برای اجرای این فریضه بزرگ الهی بود. گویا اراده الهی بر این بود که

۱. بقره/۱۲۴.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳. همان.

امام رضا علیه السلام تبدیل گردید و سیمای درخشان آن حضرت را بارزتر کرد. دو جریان «ولایت عهدی» و «مناظرات علمی» دو حادثه تحمیلی و با انگیزه‌های نامقدس بود که به قصد «اعتبار زدایی» از حضرت رضا علیه السلام برنامه‌ریزی شد. یکی قداست و زهد و پارسایی امام را هدف گرفته بود و دیگری جایگاه علمی آن حضرت را. غافل از آنکه «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ «می‌خواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش کنند و خداوند کامل کننده نورش است؛ اگر چه کفار خوش ندارند.»

هر نقشه‌ای که مأمون برای سلب اعتبار و نفوذ اجتماعی امام می‌کشید، به مشکلی برای خودش و آفتی برای دولت او تبدیل می‌شد. دعوت از امام برای نماز عید فطر، دعوت از امام برای نماز باران، بازگرداندن فدک به فرزندان فاطمه علیه السلام، هر کدام از سویی اقرار به جایگاه معنوی و حقوق اجتماعی

توطئه‌های شیطانی عباسیان تمام به خود ایشان باز گردد و تلاشهای سیاسی آنان آثار منفی داشته باشد و تیرهای شیطان به سوی خودشان کمانه کند. موارد ذیل از این امور است:

۱. زندانی کردن و شهادت امام کاظم علیه السلام امواجی از اعتراض عمومی پدید آورد و محبوبیت و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را در جامعه آن روز فزونی بخشید.

۲. تبعید و احضار اجباری امام رضا علیه السلام به خراسان خط امامت را در شرق و بلاد افغانستان و گرجستان و ترکستان و خراسان بزرگ آن روزگار وسعت بخشید.

۳. ولایت عهدی تحمیلی بر امام رضا علیه السلام، شیعه را از انزوا و تقیه بیرون آورد و جایگاه رسمی و قانونی برای تفکر پیروان عترت علیهم السلام ایجاد کرد.

۴. محافل علمی و مناظرات با پیروان ادیان و مذاهب گوناگون که به منظور محکومیت علمی آن بزرگوار یا سرگرمی علما و دانشمندان برگزار می‌شد، سرانجام به میدانی برای درخشش شخصیت علمی و اخلاقی

برگزیدیم به ارث دادیم.» مطرح می‌کند و می‌پرسد: منظور از این بندگان برگزیده که میراث‌دار کتاب الهی هستند، چه کسانی‌اند؟ علمای حاضر در مجلس می‌گویند: منظور همه امت اسلام‌اند. ولی حضرت رضا علیه السلام با استناد به دهها آیه قرآن کریم در آغاز، امتیازهای اهل بیت علیهم السلام را بر عموم مردم اثبات می‌کند و عترت و آل را دارای یک معنا می‌داند. و می‌فرماید: از دوازده مورد آیات روشن قرآن غیر از موارد اشارات تفسیری، استفاده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام بندگان برگزیده الهی هستند که وارث علوم قرآن‌اند. در این مجلس بزرگ علمی، سیاسی حضرت به تفصیل، آیات انذار، تطهیر، مباحله، آیه ذی القربی (۲۶ اسراء) آیه مؤذت (شورای / ۲۰) آیه صلوات، (احزاب / ۵۶)، آیه خمس (انفال / ۴۱)، آیه اهل ذکر (نحل / ۴۳)، آیه تحریم (نساء / ۲۳)، آیه ۲۸ سوره مؤمن و آیه ۳۲ سوره طه را شاهد می‌آورد که وارثان علوم قرآن و رهبران برگزیده الهی، افرادی خاص از خاندان

اهل بیت علیهم السلام و از سوی دیگر مَهر بطلان بر سلطه هزار ماهه بنی امیه و حکومت جابرانه بنی عباس محسوب می‌شد. گویا، این سنت الهی است که موسی علیه السلام در کاخ فرعون بزرگ شود. ابراهیم در زیر تخت نمرود متولد گردد و یوسف در کاخ عزیز مصر دوره‌ای حساس از نوجوانی و جوانی را بگذراند. و نقشه‌های شیطانی ستمگران، دامی برای خود آنان باشد. این دو جریان ولایت عهدی و مناظرات علمی هم یک پشتوانه سیاسی، علمی و منطقی و زمینه ساز معرفی امامت و امامان در سراسر تاریخ شد.

امام رضا علیه السلام و جایگاه امامت در

قرآن

یکی از اقدامات مهم حضرت رضا علیه السلام در زمینه معرفت امامت و رهبری، تبیین جایگاه عترت نبوی صلوات الله علیهم در یک مجلس مهم علمی با حضور مأمون و گروهی از عالمان عراق و خراسان است. در این مجلس مأمون پرسشی درباره آیه سسی و دوم سوره فاطر «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اضْطَفَيْنَا»؛ «سپس کتاب الهی را به کسانی که

مَثَلِ خاندانِ من در میان شما مَثَلِ کشتی نوح است. هر کس بر آن نشست نجات یافت و هر کس از آن باز ماند، در آتش افتاد.»

همان گونه که امام رضا علیه السلام در زمینه توحید، این اندیشه را در استوار خدا می داند و از رسول اعظم نقل کرده است که فرمود: از جبرئیل شنیدم گفت: خدای عز و جل می فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِضْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِضْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي»^۱ [عقیده به لا اله الا الله قلعه مستحکم من است، هر کس وارد این دژ شود از عذاب من محفوظ است.]

با همین مضمون از امام هشتم روایت شده که فرمود: پدرم از پدرش امام صادق از امام باقر از امام سجاد، از امام حسین از امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از لوح از قلم از خداوند تبارک و تعالی نقل فرموده است که «وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند.^۱

طرح امامت در اسناد حدیث

امام رضا علیه السلام گاهی براساس سنت جاری در آن روز که سلسله راویان را قبل از بیان حدیث نقل می کردند، بارها از این روش برای معرفی امامان اهل بیت علیهم السلام و جانشینان مشروع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استفاده کرد و به جای آنکه خود مطلبی را بیان فرماید، از امامان و توسط آنان از رسول گرامی نقل می کرد تا زنجیره مقدس امامت و رهبری مشروع تا رسول اعظم صلی الله علیه و آله شناخته شوند. شیخ صدوق اعلی الله مقامه الشریف در باب سی و یکم عیون اخبار الرضا بیش از سیصد حدیث را در جلد دوم آن کتاب آورده است که با همین روش، سلسله طلائی راویان از امام هشتم تا شخص پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ادامه یافته است. در همین مجموعه بسیاری از احادیث در معرفی جایگاه اهل بیت نبوی صلی الله علیه و آله است. برای نمونه حضرت رضا علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

«مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا رَجَّ فِي النَّارِ»^۲

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۷.

۳. معانی الاخبار، جامعه مدرسین قم، ص ۳۷۱.

- حِضْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِضْنِي آمِنَ مِنْ نَارِي؛^۱ ولایت [و رهبری] علی بن ابی طالب صلوات الله علیه در محفوظ من است، هر کس وارد این پایگاه امن شود از آتش من در امان است.»
- از مرگ؛^۲
۲. دعوت به گرامیداشت سید الشهداء و ایام محرم؛^۳
۳. نشر اندیشه غدیر؛^۴
۴. نقل فضائل مولای متقیان؛^۵
۵. بیان برخی اخبار غیبی؛^۶
۶. نگارش نامه به یاران مورد اعتماد؛^۷
۷. گرامیداشت شاعران متعهد و انقلابی شیعه؛^۸
۸. یادآوری قیام و نهضت مقدس مهدوی علیه السلام؛^۹
۹. تأکید بر زیارت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام در قم؛^{۱۰}
۱۰. بیان فضائل حضرت زهرا علیه السلام؛^{۱۱}
۱. همان، ص ۳۷۱.
۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۶.
۳. همان، ج ۱، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.
۴. همان، ص ۲۱۶.
۵. همان، ص ۲۹۴.
۶. همان، ج ۲، ص ۲۰۴.
۷. همان، ص ۲۵۷.
۸. همان، ص ۲۶۲.
۹. همان، ص ۲۶۶.
۱۰. همان، ص ۲۶۷.
۱۱. همان، ج ۱، ص ۲۲۲-۲۲۵.
- حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در سراسر زندگی، چه روزهایی که در مدینه اقامت داشت و چه در مسیر ایران و چه، روزهایی که در خراسان حضور داشت، گامهای بسندگی در معرفی امامت برداشت. او امامان قبلی و امامان پس از خویش و راههای شناخت امام و معیارهای صلاحیت و عصمت پیشوایان بزرگ دین را بیان کرد. آشنایی با فهرست این تلاشها پیروان حضرت را با وظیفه امروزی خویش آشنا می سازد و خط اصیل امامت را در برابر کتمان و تهاجم وهابیت امروز روشن می سازد.
۱. دعوت به زیارت خویش پس

در اینکه امام رضا علیه السلام نقشی مهم در گسترش اندیشه امامت ایفا کرده‌اند، جای شک و تردید نیست؛ اما راهکاری که به این تحول بزرگ عقیدتی - اجتماعی انجامید، چه بود و اینکه چگونه پیشوای هشتم این فتح بزرگ فرهنگی را سامان داد؟ نیاز به پژوهش و تتبع فراوان دارد.

بی‌تردید، اخلاق رضوی، قرآن‌شناسی امام رضا علیه السلام، زهد و ساده‌زیستی امام در تمام ایام زندگی، افشاگریهای حضرت نسبت به دولتهای باطل اموی و عباسی، ارتباطات حضرت از مدینه تا مرو، دانش بیکران آن بزرگوار در زمینه‌های گوناگون، عدالت خواهی و کرامات آن یادگار پیامبر، در زمان حضور و پس از شهادت آن عزیز نقشی اساسی در نشر اندیشه شیعی داشته است.

۱۱. تطبیق آیات فراوان قرآن بر اهل بیت علیهم السلام.^۱
۱۲. قضاء حوائج مردم و فروتنی و ساده‌زیستی؛

بدون تردید یکی از محورهای مهم زندگی امام رضا علیه السلام ابلاغ اندیشه امامت، دفاع از امامت و شبه‌زدایی از آن و بیان نقش آن در زندگی جامعه اسلامی است. روشنگری نسبت به مدعیان کاذب و هدایت مردم در این زمینه، در بسیاری از گفتار و رفتار آن بزرگوار موج می‌زند.

تأکید بر مرجعیت علمی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امامان اهل بیت با شیوه‌های گوناگون در گفتار و رفتار حضرت رضا علیه السلام به چشم می‌خورد. از جمله آن بزرگوار از پدران گرامیش از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا خَزَائِنَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيْهِ مِفْتَاحُهَا وَمَنْ أَرَادَ الْخَزَائِنَةَ فَلْيَأْتِ الْمِفْتَاحَ»^۲ من گنج دانشم و علی کلید این گنجینه است و هر کس می‌خواهد به گنجینه راه یابد، باید کلید آن را بیاورد.»

۱. همان، ص ۳۱۳.

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۴.